

ضرورت اخلاق محوری در روابط خانوادگی

مریم محمّدشاهی
عضو حلقه علمی بلاغ (خواهران)
دانش آموخته دوره عمومی تربیت مربی

چکیده: خانواده از مقدس‌ترین نهادهایی است که در اسلام بر ضرورت تشکیل و دوام آن تأکید بسیار شده است. نویسنده در این مقاله بعد از مفهوم‌شناسی و جایگاه‌شناسی اخلاق، به ضرورت تشکیل خانواده در اسلام و نیز نقش خانواده در سلامت اجتماع پرداخته، سپس محورهای مختلف در خانواده‌ها را به اجمال مورد بررسی قرار داده و در پایان هر محور، نقدی مختصر آورده. محورهای مورد بحث در این تحقیق عبارت‌اند از: استبداد محوری، سودمحوری، حقوق محوری و اخلاق محوری. از آنجا که زن و مرد زیربنای تشکیل خانواده هستند و فرزندان، از آنها الگوپذیری می‌کنند و نیز برای پرهیز از اطناب بحث، مطالب موجود بیشتر با توجه به روابط زن و مرد یا به عبارتی زوجین بررسی شده است.

در پایان بحث نیز مختصری از سیره عملی برخی معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین بیان شده است.

کلیدواژگان: اخلاق، خانواده، ازدواج، روابط زن و مرد.

مقدمه

آرامش و سکون مقوله‌ای است که همگان به دنبال آن هستند و هر کسی آن را به گونه‌ای جستجو می‌کند و رد پای آن را در جایی مخصوص می‌یابد. برخی در پول و

ثروت، برخی در مقام و قدرت و ... قرآن کریم آرامش روحی - روانی، جسمی - مادی را در سه زمینه مشخص می‌داند و بر آن تأکید می‌کند که هر یک از این سه زمینه در جای خود لازم و ضروری است و این از ظرافت‌های حکیمانه و اصول کاربردی حکیمانه قرآن کریم بوده که در متن زندگی انسان‌ها جریان دارد.

۱. یاد خداوند در همه زمان‌ها و مکان‌ها، مایه آرامش و اطمینان روحی - روانی است. خداوند می‌فرماید: ﴿... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱؛ «آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

۲. شب از پس روز می‌آید و با خود بهترین آرامش‌ها را برای نفوس ارمغان می‌آورد. ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ...﴾^۲؛ «او کسی است که شب را برای شما آفرید که در آن آرامش بیابید».

۳. وجود همسری وفادار و مهربان، که در مشکلات و سختی‌ها، غم‌ها و شادی‌ها همراه و همدم انسان بوده و همسفری مطمئن و دل‌سوز در سفر پر فراز و نشیب زندگی می‌باشد. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾^۳؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید» و البته این امر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که فضای حاکم بر زندگی مشترک فضایی همراه با صفا و صمیمیت و محبت باشد و اصول و قواعد آن بر سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام منطبق باشد.

علت طرح بحث اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق، خوی‌ها، طبیعت باطنی و سرشت درونی است.^۴ و در اصطلاح جمع خُلُق و خُلُق شکل درونی انسان است، چنانکه خُلُق شکل ظاهری و صوری اشیاء است. غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خلقیات ناشی گردد نیز اخلاق گویند.^۵

چنانکه مرحوم شبّر در کتاب «الاخلاق»، در تعریف اخلاق آورده: صورت باطنی

۱. رعد/۲۸.

۲. یونس/۶۷.

۳. روم/۲۱.

۴. محمد معین، فرهنگ فارسی.

۵. محمد رضا مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۱۳.

«خُلُق» انسان مانند صورت ظاهریش «خَلَق» دارای هیئت و ترکیبی زشت یا زیبا است. بنابراین خُلُق انسان همان هیئت و قیافه ثابت نفسانی انسان است که به آسانی و بدون تفکر باعث صدور افعال انسان می‌شود؛ اگر افعالی که از این هیئت و قیافه ثابت نفسانی صادر می‌شود، شرعاً و عقلاً پسندیده باشند، این هیئت را خُلُق نیکو می‌گویند و اگر زشت و ناپسند باشند، خُلُق بد نامیده می‌شود.

غرض از طرح مباحث اخلاق، درست کردن خلقی برای نفس است تا رفتارهای ما، همه خوب و شایسته باشد، چنانکه در این روایت در غرر الحکم، آمده است: «إِنَّ لَذْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ»؛ «به راستی که خردمندان نیازمند دین و ادب‌اند، آن‌سان که کشت و زرع نیازمند و تشنه باران است» و اینکه افزون بر چگونه زیستن، چگونه بودن را باید آموخت و این نیز از راه تعلیم و تربیت به دست می‌آید.

ناگفته نماند که اخلاق علاوه بر فایده فردی، ثمره حکومتی و اجتماعی هم دارد. همین اخلاق است که عزت نفس و کرامت و بزرگواری به انسان و جامعه می‌دهد. خلاصه هدف اخلاق تعدیل کردن و حق هر عضو و صفتی را ادا کردن، به عدالت رساندن تمام افعال آدمی برای رسیدن به کمال و سعادت و تقرب به خداست^۱ و این امر در روابط زن و مرد نمود بیشتری پیدا می‌کند، آن زمان که هر یک از آنها این صفت نیکو را در خود تقویت کرده و بزرگان دین را اسوه و سرمشق خود در روابط خانوادگی قرار دهند.

ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده

اگر لازم باشد که انسان برای رسیدن به کمال از یک نردبان چند پله‌ای صعود کند بی‌گمان، اولین پله این نردبان تشکیل خانواده است. خانواده‌ای که بر اساس معیارهای اسلامی تشکیل شده باشد، آرامش و آسایش جسم و جان را در پی می‌آورد و در صفا و صمیمیت، همفکری و همدردی و هماهنگی آن، زنگارهای پریشانی و خستگی‌های عصبی و جسمی زدوده می‌شود و دو انسان می‌توانند با تعاون و تعاضد و یکی شدن، نیرومندتر و مستحکم‌تر شوند. انسان نیاز دارد خود را از تهاجم شهوات و آلودگی‌ها و هرزگی‌ها حفظ کند و برای رفع نیاز جنسی، به انحراف و فساد کشانده نشود و عمری

۱. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. محمدرضا بارگاهی، زندگی بهتر در پرتو اخلاق، ص ۱۴.

را با پاکدامنی و عفت سپری سازد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ با توجه به اهمیت نقش خانواده در دین‌داری انسان فرمود: «ما بنی بناء فی الإسلام أحبّ إلى الله عزوجلّ من التزویج»^۱؛ «هیچ بنیادی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست».

ازدواج بنیان محبت و عشق است و اگر تابع معیارهای اسلامی باشد، هرگز سست و متلاشی نمی‌شود و مجرد برای انسان یک نقص و ازدواج یک کمال است. از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ «شرار أمواتکم العزّاب»^۲؛ «بدترین مردگان آنانی هستند که با عزوبت بمیرند» و بیشتر آنانی که گرفتار کیفر دوزخ می‌شوند، آنانی هستند که با عزوبت (بدون ازدواج) در این دنیا زیسته‌اند. بالعکس دو رکعت نماز افرادی که ازدواج کرده‌اند، از روزه و نماز آنان که با عزوبت زندگی می‌کنند، بهتر است. پیامبر عالی‌قدر اسلام ﷺ به کثرت امت خویش مباحثات می‌کند و از پیروان خود می‌خواهد که ازدواج کنند و فرزندان از خود به جای گذارند، چرا که فرزند تنها برای دنیای انسان مفید نیست، بلکه در آخرت هم مفید است.^۳

قداست ازدواج، بالا رفتن ارزش زن در جامعه، تربیت صحیح فرزندان، دوام و استحکام خانواده‌ها، به کار افتادن استعدادها و نیروهایی که به درد خلاقیت و رفع مشکلات مادی و اقتصادی می‌خورند، از بین رفتن فساد و فحشا، خوش‌بینی و امیدواری به الطاف خداوندی و ... همه حلقه‌های یک رشته‌اند. اسلام جامعه‌ای را می‌پسندد که همه این امور در آن عینیت و تحقق یافته باشد. به همین جهت فلسفه زناشویی را به بهترین وجه برای پیروان خود مطرح می‌کند و معیارهای اساسی را ارائه می‌دهد و به آن قداستی والا می‌بخشد و اجرای چنین برنامه مقدسی را از همه شیفتگان مکتب خویش می‌خواهد.^۴

نقش خانواده در سلامت اجتماع

ما امروز در رابطه با خانواده‌ها در بسیاری از نقاط جهان با وضعی مواجهیم که در آن حیثیت و شرافت بسیاری از انسان‌ها نادیده گرفته می‌شود. زندگی انسان‌ها صورت مبتدلی پیدا کرده و افراد انسانی در معرض ارضای هوس‌های زودگذر به جای عشق

۱. علامه مجلسی، روضة المتقین، ج ۸، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۶.

۳. احمد بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۶۷.

۴. همان.

و آرامش واقعی هستند.^۱

وقتی ارزش و ملاک در زندگی برخی، ظواهر، تجملات، مدپرستی و ... باشد، با توجه به اینکه این گونه امور زود کهنه می‌شود، در نتیجه چنین افرادی مطلوب و مرادشان را هم زود از دست می‌دهند و سرانجام کار به جدایی می‌کشد. اصولاً در چنین خانواده‌هایی چون عقل در انتخاب همسر نقشی ندارد، اساس خانواده زود متزلزل می‌شود و سرنوشت آنها جز طلاق و سرگردانی اعضای خانواده و گاهی انحراف آنها چیز دیگری نیست! بنابراین رسیدگی و مراقبت، تلاش و کوشش برای نگهداری و محافظت خانواده به منظور پیش‌گیری از لغزش‌ها، در نتیجه به وجود آمدن رشد اخلاقی و تکامل فرهنگی، یک مسئولیت بسیار حساس و سرنوشت‌ساز می‌باشد و این مسئولیت مهم از سوی هیچ‌کس نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد. علاوه بر اینکه این معنی، یک واقعیت وجدانی و عقلانی است، قرآن مجید هم بر آن تأکید جدی دارد و به صورت یک دستور صریح و قابل اهمیت می‌فرماید: ﴿بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۲﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورهای او را دقیقاً اجرا می‌نمایند»^۳.

اساسی‌ترین امری که از سوی خداوند در قرآن کریم، فلسفه و نتیجه تشکیل بنیان خانواده معرفی شده، برقراری «آسایش و آرامش»، «تحکیم پیوندها» و «مودت و محبت» به منظور تحت پوشش «رحمت و شفقت» قرار گرفتن زن و شوهر است.

محورهای موجود در خانواده (مبانی متفاوت خانواده‌ها)

همزمان با ازدواج و تشکیل خانواده محورهای متفاوتی نیز درون هر خانواده شکل می‌گیرد که مبنا و ساختار رفتاری آن خانواده را تشکیل می‌دهد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف. استبداد محوری

۱. علی قائمی، نظام حیات خانواده، ص ۹ و ۱۰.

۲. تحریم/۶.

۳. اسدالله محمدی‌نیا، بهشت جوانان، ص ۱۷۸.

ب. سودمحوری

ج. حقوق محوری

د. اخلاق محوری

که هر کدام از موارد فوق در جای خود به اختصار مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد و در پایان به بیان نظر اسلام پرداخته می‌شود.

الف. استبداد محوری

گاه آنچه در برخی خانواده‌ها محور و مبنا قرار می‌گیرد، روش «استبداد محوری» است. در این نوع خانواده‌ها معمولاً یکی از اعضا - که غالباً پدر است - بر اعمال و رفتار دیگران حاکمیت دارد و در مواردی ممکن است مادر، خواهران یا برادران بزرگتر این نقش را ایفا نمایند. برخی از مشخصه‌های مهم این نوع خانواده‌ها عبارت‌اند از:

۱. در این خانواده فقط فرد دیکتاتور و قدرتمند تصمیم می‌گیرد؛

۲. وظیفه افراد خانواده، برنامه و تربیت زندگی آنان توسط همان یک فرد مشخص می‌گردد؛

۳. در اعمال جزئی هر یک از افراد خانواده دخالت می‌کند؛

۴. هر چه در نظر دیکتاتور خوب و پسندیده است، همه باید او را بپسندند و خوب بدانند؛

۵. اعضای خانواده، مورد احترام فرد دیکتاتور نیستند؛

۶. اغلب دچار هیجان و اضطراب می‌باشند؛

۷. در مقابل دیگران حالت دشمنی به خود می‌گیرند و ...

گاهی این استبداد از سوی مادر می‌باشد که به فرزندان و شوهر خود استقلال نمی‌دهد. به همین علت، استعدادهای فراوان فرزندان شکوفا نمی‌شود؛ هر چه او می‌گوید باید فرزندان انجام دهند. به کودکان اجازه ابراز وجود نمی‌دهند و هر کاری که آنان انجام می‌دهند با مخالفت مادر خانواده روبرو می‌شوند. مادر این خانواده مرتباً فرزندان فامیل را به رخ فرزندان خود می‌کشد و ...^۱ که این امر سبب نابه‌سامانی، گسستگی و تزلزل روابط بین اعضا و کم‌رنگ شدن رابطه عاطفی بین مادر و فرزندان می‌گردد و این نتیجه رفتار مستبدانه و خودکامانه مادر خانواده می‌باشد.

نقد محور اول

با مطالعه رفتار این خانواده‌ها، درمی‌یابیم که به دلایل مختلف - که برخی از آنها ذکر شد - در روابط بین اعضا روح همبستگی و صمیمیت وجود ندارد و یا اگر هست

۱. احمد صافی، خانواده متعادل، ص ۵۷.

بسیار کم‌رنگ است که این خود یکی از عوامل عمده در سستی روابط می‌گردد. طبعاً در چنین خانواده‌ای به دلیل اینکه تصمیم‌گیری در امور مختلف فقط از ناحیه فرد دیکتاتور می‌باشد و تنها اوست که حق اظهار نظر دارد و نیز رفتار همه باید به دل خواه او باشد، صمیمیت و محبت، احترام و تکریم شخصیت دیگر اعضا نسبت به هم در مرتبه پایین تری قرار گرفته که این خود باعث مشکلات چندگانه‌ای - مانند آنچه گذشت - در خانواده می‌شود.

ب. سودمحوری

«رفاه و آسایش» یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که هر خانواده در پی کسب آن بوده و سعی دارد به هر طریق ممکن به آن دست یابد. حال ممکن است آن طریق، طریق مشروع باشد یا نامشروع که بحث در این جا، طریق مشروع آن می‌باشد که گاه همین طریق مشروع به صورت محور و اصلی‌ترین رکن خانواده درمی‌آید. یکی از عمده‌ترین راه‌های رسیدن به این امر، اشتغال توأم زوجین می‌باشد که صورت‌های متفاوتی دارد و مهم‌ترین صورت آن این است که زن و مرد به صورت همزمان و تمام وقت شاغل‌اند.^۱

این صورت از اشتغال زوجین مضرترین صورت اشتغال زوجین است، زیرا بیشترین آسیب به خانواده، و به‌ویژه فرزندان وارد می‌شود. اگر زن و مرد به طور تمام وقت هر دو شاغل باشند، کمترین ارتباط عاطفی بین فرزندان و والدین برقرار می‌شود، حتی زوجین به دلیل خستگی مفرط، حوصله تعامل با یکدیگر را ندارند، زیرا انرژی‌های جسمانی و روانی آنها، در خارج از خانه و محیط کار هزینه شده است و گویی تنها برای استراحت به خانه می‌آیند و گاهی اوقات به جای ابراز محبت به فرزندان که ساعات زیادی را در انتظار والدین بودند، با پرخاش‌گری و خشونت با آنها برخورد می‌شود. در چنین خانواده‌هایی، مسئولیت زنان مضاعف می‌شود، مجموع ساعات کار آنها، در خارج و داخل خانه، به شدت افزایش می‌یابد و در نتیجه شدیداً در فشار کاری قرار می‌گیرند و به دنبال آن فرزندان که نیاز بیشتری به مادر، دارند، در ابعاد گوناگون آسیب‌های جدی می‌بینند.^۲

تورم و بحران‌های شدید اقتصادی ایجاب کرده است که زن و مرد ساعات بسیار

۱. گروه مؤلفان، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. همان، ص ۱۰۳ و ۲۱۵.

طولانی را در خارج از خانه، در تلاش بگذرانند. این وضع باعث شده است کارکردهای خانواده در مقایسه با گذشته محدود شود. از جمله پی‌آمدهای تغییر الگوی کار در خانواده در دههٔ اخیر را می‌توان تک واحدی و تغییر در نقش‌های سنتی جنسی زنان و مردان در خانواده دانست.^۱

تداخل سازمان‌ها و نهادهای دیگر اجتماعی در انجام این وظایف خود نیز عامل دیگری در تزلزل ساخت خانواده است. افزون بر آن، تبلیغات غرب‌گرایان، زنان ایران را برای آنکه به استقلال اجتماعی، مالی، رشد عقلی و فکری برسند، تشویق به خروج از خانواده و قرار گرفتن در کنار مردان نموده و سنگر بنیادی و استراتژیک خانواده را بی‌دفاع گذاشته است. با گذشت زمان، تمایل زنان نسبت به جستجوی اشتغال بیرون از خانواده بیشتر می‌شود که بسیاری از اینها، تنها هدفشان رسیدن به استقلال مالی و اقتصادی یا کمک به اقتصاد خانواده است.^۲

نقد محور دوم

با بررسی عملکرد این خانواده‌ها، مشخص می‌شود که روابط اعضا با یکدیگر، بیشتر از نوع رابطهٔ سود و سرمایه است که این خود عامل مهمی در ناپایداری روابط به شمار می‌رود. با این دیدگاه، به راحتی بنیان خانواده فرو می‌ریزد و صد البته، بزرگ قربانی بی‌گناه این نوع دیدگاه، فرزندان خانواده هستند که از این راه، لطمات جبران‌ناپذیری به آنها وارد می‌شود. اگرچه به زعم والدین، هدف آنها تنها راحتی و فراهم کردن امکانات مادی و رفاهی برای آنهاست، غافل از اینکه امر مهم‌تری را از آنها دریغ می‌کنند که آن محبت و گرمی حضور والدین در کنار خود است.

ج. حقوق محوری

حق و حقوق از جمله مباحثی است که در هر زمان و مکانی از آن سخن به میان می‌آید و هر فردی در قبال آنچه انجام می‌دهد، برای خود طالب حق و حقوقی است. نهاد خانواده نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به همین منظور، هم شرع و هم عرف برای هر یک از طرفین (زن و مرد) حق و حقوقی تعیین کرده است. اما در جامعهٔ امروزی شاهدیم که بسیاری از خانواده‌ها این مقوله (حق و حقوق) را در زندگی خود محور و پایه قرار داده، از دید حقوقی به هم نگریسته و برای انجام هر کاری برای خود حقی قائل می‌شوند.

۱. همان، به نقل از انتشارات یونسکو، ۱۹۹۳.

۲. همان، ص ۱۰۳ و ۲۱۵.

با توجه به یافته‌های تحقیق روشن گردیده است که قانون، برای زوجین حقوق و تکالیفی تعیین کرده و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته است، باید توجه داشت که قانون به تنهایی نمی‌تواند، آرامش و سلامت خانواده را تأمین کند. از این رو، خانواده باید بیش از هر چیز پای‌بند اصول و مبانی اخلاقی باشد. توسل به ضمانت اجرایی حقوقی و رجوع به مقامات قضایی، به هنگام ضرورت، باید به عنوان آخرین علاج مورد استفاده واقع شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرگاه روابط زوجین در کانون خانوادگی دچار بحران شده است، بانوان حتی برای دریافت روشن‌ترین حق مالی خود، که همان مهریه باشد، دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. بنابراین حقوق، تنها به ساختن انسانی منظم و نامتجاوز قانع است، ولی آیا این‌گونه احکام برای تأمین سلامت خانواده و ایجاد روح همبستگی در آن کافی است؟

با توجه به این حقایق، حقوق خانواده، رنگ و چهره دیگری می‌یابد و جنبه عاطفی و انسانی آن بر سیمای منطقی قواعد غلبه داشته و بر همه راه‌کار سایه می‌افکند.^۱ اصولاً بسیاری از قوانین و احکام اسلام و توصیه‌های پیشوایان دین جنبه پیشگیری دارد که اگر دقیقاً به اجرا گذارده شود، از بسیاری مشکلات و گرفتاری‌های پیش‌رو جلوگیری می‌نماید. همان‌طور که مشهور است: «پیشگیری بهتر و آسان‌تر از درمان است». در احکام اسلام اگر آن‌بخش که جنبه ارشادی و اخلاقی دارد، به مرحله عمل و اجرا گذارده شود، از بسیاری از نزاع‌های حقوقی که بعضاً هم موجب وارد آمدن خسارت‌های فراوان و غیر قابل جبران می‌شوند، بازداشته خواهیم شد.^۲

نقد محور سوم

در نقد این محور به نظر یکی از اندیشمندان حقوق اشاره می‌کنیم: «طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه سازگار نیست و اثر قوانین برای نظم در آن ناچیز است. پس اگر در پی آن باشیم که سنت‌ها را به دور افکنیم و قانون را جای‌گزین آن سازیم، در واقع آن را میان تهی می‌سازیم. آن‌گاه است که زن و شوهر چون دو مدعی در برابر هم ظاهر می‌شوند؛ زن در برابر اداره منزل از شوهر دست‌مزد می‌خواهد و به سان سایر مزدوران، کارشکنی و اعتصاب می‌کند؛ شوهر در برابر پولی که می‌دهد سروری و حکومت می‌خواهد و ... و کودکان در میانه نزاع یا به حساب نمی‌آیند و یا وسیله تهدید

۱. همان، ص ۲۳۴.

۲. سکینه نیک، حقوق زن و شوهر در اسلام، ص ۱۵۶.

و ارباب می‌شوند...»^۱.

طبعاً در چنین خانواده‌ای احترام و تکریم نسبت به یکدیگر از مرتبه پایینی برخوردار خواهد بود که این خود نیز از علل عمده در تضعیف و سستی روابط خانوادگی به حساب می‌آید.

حق همسر در کلام امام سجاد علیه السلام

جا دارد در این بخش به کلام امام سجاد علیه السلام در مورد حق همسر و وظیفه هر کدام نسبت به دیگری بپردازیم:

«و أما رعیتک بملک التکاح فأن تعلم أن الله جعلها سکناً و مستراحاً و أنساً و واقیة و كذلك ...»^۲ «و اما حق همسرت آن است که بدانی خداوند متعال با آفرینش او، وسیله آرامش، رفاه و انس و نگهداری تو را فراهم نموده و واجب است هر کدام از شما - زن و شوهر - بر نعمت وجود دیگری خود را سپاس گوید و بداند که این نعمت الهی بر اوست. بر تو واجب است که نعمت الهی را گرمی داشته، در معاشرت با او، خوش رفتاری و رفق پیشه کنی؛ اگر چه حق تو بر زن سخت‌تر و رعایت مکروه و محبوب اگر معصیت و زیاده‌خواهی نباشد، بر او لازم‌تر است؛ ولی زن حق مهربانی و انس بر تو دارد و جایگاه آرامش و آسایش، غریزه‌ای است که گریزی از انجام آن نیست و این حق بزرگی است»^۲.

موضوع همسر و خانواده چون از مباحث همیشه زنده و مورد نیاز زندگی روزمره انسان‌هاست، مسئله‌ای نیست که با گذشت زمان فراموش شود. بنابراین ضروری است به مباحث جدیدی که در این یکی دو قرن اخیر درباره تساوی حقوق زن و مرد مطرح شده است، اشاره اجمالی داشته باشیم.

د. اخلاق محوری

از دیگر نکاتی که هر زن و مرد در تشکیل خانواده آن را به عنوان محور قرار داده و زندگی مشترک خود را بر آن استوار می‌سازد، اخلاق محوری است.

پس از مسائل اعتقادی، مطابق آنچه در آیه شریفه *سوره جمعه آمده*، دومین بخش مهم معارف اسلام مسأله اخلاق و آراستن روح به ارزش‌های انسانی است. این بخش

۱. گروه مؤلفان، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ص ۲۳۴.

۲. قاسم نصیرزاده، سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۸.

مکمل اعتقادات و اساس و پایه مسائلی بعدی مانند حکمت و علم و دانش، احکام الهی و انجام واجبات و ترک محرمات نیز می‌باشد. در حقیقت هر عمل خوبی که از انسان سر می‌زند، به پیرو خلق و خوی نیک اوست و هر عمل زشتی هم که از او سر می‌زند، مربوط به اخلاق فاسد می‌باشد. به تعبیر روشن‌تر، تمام ارزش‌های انسانی معلول اخلاق نیک اوست. انسان تا به تمرین و مجاهده عملی اخلاق نیک را در خود ایجاد نکند، ارزش انسانی پیدا نخواهد نمود و اعمال و عبادات او نیز ارزش و مقبولیت نخواهد یافت. از این رو، از نظر اسلام هر فرد اگر شایستگی اخلاقی پیدا نکند، حتی اگر دانشمند و متخصص و هنرمند هم باشد، ارزش انسانی و اسلامی ندارد. جامعه و خانواده نیز چنین‌اند.^۱

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خَلْقًا»؛ «کامل‌ترین مؤمنان از جهت ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان هستند».

حسن معاشرت در زندگی زناشویی همان چیزی است که مطابق با قانون خلقت و موافق طبع سالم هر زن و شوهر است. زن و شوهر طبق قانون آفرینش، عاشق و طالب یکدیگر آفریده شده‌اند. پس خودشان نیز بایستی در استحکام این عشق فطری بکوشند و از محبت و تکریم به یکدیگر که شالوده اصلی این استحکام بخشی غافل نباشند. عاشق، تمام مظاهر خیر و زیبایی، مجد و شرف و جمال را در معشوق خود فرض می‌کند، او را از خود بزرگ‌تر و شریف‌تر می‌داند.^۲

هر یک از زن و شوهر برای موفقیت در انجام وظیفه و حسن معاشرت و رعایت حقوق همسر خویش، باید بکوشد روحیات همسر خویش را درک کند و آن‌گونه که شایسته و متناسب؛ روحیه همسرش می‌باشد، او را مورد نوازش و تکریم قرار دهد؛ شاید سرّ اینکه بهترین جمله‌ای که یک مرد می‌تواند به زنی بگوید، اصطلاح «عزیزم تو را دوست دارم» و بهترین جمله‌ای که یک زن به مرد مورد علاقه‌اش می‌گوید، جمله «من به تو افتخار می‌کنم»، است. همین دریافت محبت از مرد و پس دادن تکریم به او باشد.^۳

در همین راستا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحَبُّكَ لَا

۱. محمد حسینی بهاران‌چی، آیین همسراری و آداب زندگی در اسلام، ص ۲۴۰.

۲. کلینی، اصول کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، ج ۳، ص ۲۲۷.

۳. حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا، ص ۱۵۰.

۴. سکینه نیک، حقوق زن و شوهر در اسلام، ص ۱۶۴.

یذهب من قلبها أبداً»؛ «این سخن مرد به زن که «دوستت دارم»، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود».

نکاتی چند از سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان

در پایان این بحث به گوشه‌ای از سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان دین در رابطه با خانواده و روابط ایشان با یکدیگر پرداخته می‌شود. امید آن است که رفتار و منش این بزرگ‌مردان تاریخ اسلام الگو و اسوه‌ای برای همسران جوان باشد. گفتنی است که در برخی موارد به دلیل نداشتن ترجمه فارسی فقط به ذکر عربی آن اکتفا شده است.

۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افزون بر اینکه مسئولیت‌های اجتماعی - سیاسی را بر عهده داشتند، در کار منزل نیز به خانواده کمک می‌کرد و آن را نیز به دیگران سفارش می‌کردند.

«در خانه‌اش خجول‌تر از دوشیزگان بود. از اهل خانه نه غذایی می‌طلبید و نه علاقه‌اش به خوردنی‌ها را ابراز می‌کرد ... در خدمت کارهای خانه بود و در تکه تکه کردن گوشت با اهل خانه همکاری می‌کرد. بیشتر دوخت و دوز می‌کرد و چون به منزل می‌آمد، وقت خود را به سه قسمت تنظیم می‌کرد، بخشی برای خدا، بخشی برای خانواده و بخشی برای خود. در خانه را خود باز می‌کرد. گوسفندان را نیز می‌دوشید. به خانواده‌اش غذای خوب می‌داد و کارهای شخصی خود را خودش انجام می‌داد».^۱

۲. قال ابو عبدالله علیه‌السلام: «كانت لأبي علیه‌السلام امرأة و كانت تؤذيه فكان يغفر لها».^۲ «پدرم همسری داشت که او را اذیت می‌کرد، سپس پدرم برایش استغفار می‌کرد».

۳. «إن فاطمة علیها‌السلام ضمنت لعلی علیه‌السلام عمل البيت و العجین و الخبز و قم البيت و ضمن لها علی علیه‌السلام ما كان خلف الباب نقل الحطب و أن یجیء بالطعام».^۳ «همانا فاطمه علیها‌السلام متعهد شد برای علی علیه‌السلام که کارهای خانه و پختن نان و ماندن در خانه (را) انجام دهد) و علی علیه‌السلام برای فاطمه علیها‌السلام متعهد شد برای کارهای بیرون از خانه (از جمله) آوردن همیزم و تهیه روزی».

۴. در مجمع البیان آمده است: «إن رسول الله اذا صلّ الغداة، یدخل علی أزواجه امرأة

۱. کلینی، اصول کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. حسین سیدی، همانم گل‌های بهاری، ص ۴۶.

۳. علامه مجلسی، روضة المتقین، ج ۸، ص ۳۷۰.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۵. «پیامبر ﷺ پس از نماز صبح با تک تک همسران خود دیدار می کرد».
 ۵. مرحوم کلینی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کان امیر المؤمنین علیه السلام یحطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمة علیها السلام تطحن و تعجن و تخبز»^۱؛ «وضع خانه علی علیه السلام این گونه بود که امیر المؤمنین هیزم فراهم می کرد و آب می کشید و خانه را نظافت می کرد و فاطمه علیها السلام آرد می ساخت و آن را خمیر کرده و نان می پخت».
 ۶. قال علی علیه السلام: «فو الله ما أغضبتها و لا أكرهتها من بعد ذلك علی امر حتی قبضها الله عزوجل و لا أغضبتنی و لا عصت لی أمراً و لقد كنت إليها فتنجلی عنی الغموم و الأحزان بنظرتی إليها»^۲؛ «به خدا سوگند هرگز کاری نکردم که فاطمه علیها السلام از من خشمناک شود و فاطمه نیز هیچ گاه مرا خشمناک نساخت، وقتی به خانه می آمدم و به زهر علیها السلام می نگریستم، همه غم و اندوهها کنار می رفت».

خاتمه

اخلاق حسنه گوهر زیندهای است که هر کسی می تواند خود را به آن بیاراید. وقتی افراد ملاک زندگی خود را امری جدا از اخلاق قرار دهند - نظیر آنچه گذشت - به علت سست و بی بنیان بودن آن، به هدف مطلوب و مورد نظر خود دست نمی یابند و سرانجام یا به جدایی می انجامد و یا گذران سخت و دشوار زندگی توأم با رنج و غم. اما اگر هر خانواده ای افق دید خود را اخلاقی نماید و سیره رفتاری ائمه اطهار را سرلوحه زندگی خود قرار دهد، خواهد توانست فراز و نشیب های زندگی را به راحتی درنوردد و آسمان زندگی اش همیشه صاف و آبی باقی بماند.

منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری قمی، تهران، بی تا.
۲. بارگهی، محمدرضا، زندگی بهتر در پرتو اخلاق، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.
۳. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷.
۴. حسینی بهاران چی، سید محمد، آیین همسر داری و آداب زندگی در اسلام، نشر اجرا، قم، ۱۳۸۳.
۵. ستوده، امیررضا، پایه پای آفتاب، نشر پنجره، تهران، پاییز ۱۳۸۰.

۱. علامه طباطبایی، سنن النبی، ص ۲۰۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱.

۳. حافظ، موفق، مناقب خوارزمی، ص ۲۵۶.

۶. سیدی، حسین، همنام گل‌های بهاری، نشر آموزش کشاورزی، کرج، ۱۳۸۵.
۷. شبّر، عبدالله، اخلاق، ترجمه محمد رضا جباران، نشر هجرت، تهران، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۷۸.
۸. شمس‌الدین، مهدی، روش همسر داری، نشر شفق، قم، چاپ شفق، ۱۳۸۰.
۹. صادقی اردستانی، احمد، اخلاق زن و شوهر، نشر حافظ نوین، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۱۰. صافی، احمد، خانواده متعادل، نشر انجمن اولیاء و مربیان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۱۱. صدر، حسن، حقوق زن در اسلام و اروپا، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۵۷.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، ترجمه حسین، استاد ولی، نشر پیام آزادی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
۱۳. عاملی، حرّ، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، جمادی الثانی ۱۴۰۹ ق.
۱۴. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۰ جلد، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.
۱۵. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، نشر بنیاد فرهنگ اسلامی، قم، بی تا.
۱۶. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۶۳.
۱۷. قمی، عباس، سفینه البحار، تهران، مؤسسه بعثت، ۱۳۶۵.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، ۸ جلد، اول، قم، پاییز ۱۳۸۳.
۱۹. محمدی‌نیا، اسدالله، بهشت جوانان، نشر سبط اکبر، قم، چاپ بیست و دوم، زمستان ۱۳۸۴.
۲۰. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، نشر اسوه، تهران، ۱۳۷۴.
۲۱. معاونت پژوهشی، گروه روان‌شناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، نشر آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، قم، ۱۳۸۶.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر سپهر، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۲.
۲۴. موسوی زنجان‌رودی، سید مجتبی، اخلاق در زندگی، نشر برگ شقایق، قم، پاییز ۱۳۸۳.
۲۵. موسوی لاری، مجتبی، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، نشر اسلامی، چاپ سوم، قم، بهار ۱۳۷۳.
۲۶. موفق، حافظ، مناقب خوارزمی، بی تا، بی نا.
۲۷. مهدوی کنی، محمد رضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، نشر فرهنگ اسلامی، بی جا، ۱۳۷۱.
۲۸. نصیرزاده، قاسم، سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام، نشر فرهنگ آفتاب، قم، ۱۳۸۲.
۲۹. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، مهر ۱۴۰۷ ق.
۳۰. نیک، سکینه، حقوق زن و شوهر در اسلام، نشر طلیعه، مشهد، ۱۳۷۵.
۳۱. هندی، حسام‌الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت.